

بررسی نسبت بهبود کارایی قوه قضائیه و استفاده از تکنولوژی در دفاتر خدمات الکترونیک قضایی

فرشته ریاضی^۱

چکیده

امروزه نفوذ و ورود تکنولوژی به عرصه‌های مختلف زندگی بشر، بر کسی پوشیده نیست. جوانب مختلف زندگی روزمره تحت تأثیر تکنولوژی قرار گرفته است به نوعی که در مواردی به سختی بدون تکنولوژی می‌توان به زیستن ادامه داد. ادارات و سازمان‌های مختلف نیز از نفوذ تکنولوژی مصون نمانده‌اند و بنحوی درگیر این امر شده‌اند. دستگاه قضایی نیز از جمله ادارات و سازمان‌هایی است که از ورود فناوری و تکنولوژی استقبال کرده است. در کشور ایران طی دو دهه اخیر تکنولوژی ورود پیدا کرده و دستگاه قضایی توانسته در طول این دو دهه به تدریج خود را با پیشرفت‌های تکنولوژی تطبیق دهد و از آنها استفاده کند. گرچه در ایران سیستم قضایی هنوز نتوانسته بطور کامل از تکنولوژی بهره‌برداری لیکن با بررسی مسیر و روند دستگاه قضایی، این امید وجود دارد که دستگاه قضایی در آینده کاملاً منطبق با تکنولوژی‌های نوین گردد. در این مقاله هدف آن است که تأثیر تکنولوژی و فناوری به صورت مصداقی در سیستم قضایی مورد بررسی قرار گیرد. روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده است. پژوهشگر با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای توانسته به این نتیجه دست یابد که پیشرفت دانش و بکارگیری آن در دستگاه قضایی دو نتیجه عمده به دنبال داشته است: نخست، کاهش زمان رسیدگی به پرونده‌ها و حذف تشریفات زائد از دادرسی و دوم، کاهش هزینه‌های فرآیند رسیدگی قضایی به پرونده‌ها.

واژگان کلیدی: قوه قضائیه، فناوری‌های نوین، دادرسی، کاهش هزینه

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌الملل قشم fereshtehriazi@aliabadiu.ac.ir

مقدمه

حل و فصل اختلافات در نظام دادگستری تابع اصول و مقرراتی است که بعنوان «آئین دادرسی» شناخته می‌شود. اگرچه کارکرد دادرسی (یعنی اجرای عدالت از طریق حل و فصل نمودن اختلافات) با تغییر و تحول فنون انجام آن دگرگون نشده ولی، بدان‌سان که پیشرفت فناوری بر عرصه‌های مختلف زندگی تأثیر نهاده، دادرسی و آئین آن در شرف تأثیرپذیری جدی از این نوآوری‌های فنی است. امروز ناکارآمدی روش‌های مرسوم و سنتی ابلاغ اوراق قضایی، بایگانی پرونده‌ها، دسترسی به منابع اطلاعاتی مطمئن، بیم مفقود شدن اوراق و مدارک و حتی امکان پیگیری از راه دور وضعیت پرونده و ارسال لوایح و غیره با مطرح گردیدن پدیده‌های اطلاع دادرسی و پرهزینه بودن آن، از دغدغه‌های جدی و مهم نظام‌های حقوقی است. از اینرو نظام‌های حقوقی می‌کوشند، با بکارگیری، تکنولوژی‌های روز و دانش مدرن و مرتبط ساختن آن با رسیدگی-های قضایی، دغدغه‌های موجود را تا حد امکان کاهش دهند. البته نباید فراموش کرد که گرچه دغدغه‌های نظام‌های حقوقی که هدف اصلی آن برقراری نظم و عدالت در جامعه است، هیچگاه بطور کامل از میان نمی‌رود، اما می‌توان با استفاده از تکنولوژی‌های مدرن، این دغدغه‌ها را به میزان حداقل ممکن کاهش داد. پیشرفت‌های فنی تمدن انسانی دگرگون گردیده و جهان‌بینی گسترده‌ای در زندگی روی داده است. این پیشرفت‌ها در قضاوت بطور عمده نمود یافته که می‌تواند موجب تشریفات‌زدایی از دادرسی باشد. منظور از تشریفات‌زدایی، کوتاه کردن مسیر و مدت زمان رسیدگی به پرونده‌ها در قوه قضائیه است. علاوه بر تشریفات-زدایی، پیشرفت دانش و فناوری می‌تواند، اصالتاً در مباحث پیشگیری از جرم نیز مفید باشد. چه آنکه یکی از رسالت‌های مهم قوه قضائیه پیشگیری از جرم است. بنابراین قوه قضائیه می‌تواند با استفاده از تکنولوژی‌های مدرن، در این زمینه نیز موفق عمل کند. ارتباط پیشگیری از جرم و تکنولوژی به ویژه آنجایی نمود بیشتر می‌یابد که مشخص شود، تسریع در رسیدگی به جرائم و پرونده‌های کیفری، سبب می‌شود که از طرفی مجرم زودتر به کیفر برسد و از سوی دیگر قربانیان در پیچ و خم تشریفات رسیدگی سنتی، در مدت زمان کمتری به احقاق حق خود نائل شوند. به عبارت دیگر چنانکه اشاره شد، از تأثیرات مهم تکنولوژی در دادرسی قضایی، تشریفات‌زدایی است. گاه پیش می‌آید که بزه‌دیده‌ای در پرونده‌های کیفری و یا خواهانی در پرونده‌های حقوقی، برای تظلم‌خواهی به محاکم قضایی مراجعه می‌کند، لیکن به دلیل تشریفات بسیار، در پیچ و خم فراوان فرآیند تظلم‌خواهی و رسیدگی قرار می‌گیرد و این تشریفات و پیچ و خم‌های فراوان، باعث القای ناامیدی به او شده و از ادامه راه، صرف‌نظر می‌کند. این انصراف بزه‌دیده یا خواهان از ادامه تظلم‌خواهی، سبب جدی‌تر شدن مجرمین شده و باکی از ارتکاب مجدد جرم نخواهد داشت. حال چنانچه با استفاده از تکنولوژی تشریفات دست و پاگیر از میان برود، بزه‌دیده یا خواهان از ادامه مسیر ناامید نمی‌شود و مجرم با سرعت و قطعیت بیشتری به سزای عمل خود می‌رسد و این امر از طرفی سبب می‌شود، خوفی در دل مرتکب ایجاد

شود و این خوف، او را از ارتکاب مجدد بزه باز دارد و از طرف دیگر سایر افراد با مشاهده تسریع در روند رسیدگی به جرائم، به نوعی پیشگیری خودمحور از جرم ایجاد می‌کنند. علاوه بر این، استفاده از تکنولوژی چه در دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و چه در سایر مراحل فرآیند رسیدگی‌های قضایی، آثار دیگری نیز دارد که در این پژوهش تلاش می‌شود به این آثار پرداخته شود. در این راستا تلاش می‌شود ابتدا مدیریت پرونده‌های قضایی در حالت عام یعنی در حالت بدون تکنولوژی بررسی شود و سپس مدیریت این پرونده‌ها با استفاده از تکنولوژی، مطالعه می‌گردد.

۱- مدیریت قضایی پرونده‌ها در حالت عام

در این مبحث تلاش می‌شود، سابقه و تجربه ایران در مدیریت قضایی پرونده‌ها و نقش آن در پیشبرد اهداف قضایی، پرداخته شود.

۱-۱- مدیریت قضایی در سالیان اخیر

امروزه پیشرفت دانش و تکنولوژی‌های مدرن، نقش روزافزونی در زندگی یافته و رایانه بسیار سریع جای خود را در زندگی بشر پیدا نموده، بنحویکه تا حدودی می‌توان گفت، رایانه تمامی ابعاد زندگی را در بر گرفته است. این امر در مراجعه به دادگستری نیز به چشم می‌آید. چنانچه ملاحظه می‌شود، رایانه از نخستین ابزارهایی است که در ارتباط با مدیریت پرونده‌ها بکار می‌آید. از نوشتن دادخواست و شکایت گرفته تا صدور اخطاریه‌ها و دستورهای قضایی و ثبت و ضبط نمودن آنها و سرانجام اصدار رای (Walton & others, 2002: 85).

تکنولوژی‌های مدرن ابعاد گسترده‌ای دارند و شامل حوزه‌های مختلف دانش می‌شوند. به واقع دانش در حوزه‌های گوناگون پیشرفت داشته است. یکی از حوزه‌هایی که پیشرفت چشمگیری حاصل شده و تکنولوژی-های مفید و کارآمدی به دست آمده است، حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌باشد. این حوزه درباره تمامی شبکه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ایجاد ارتباط در زمینه‌های مختلف است که البته این ایجاد و برقراری ارتباطات بنحوی تنظیم می‌شود که بتوان دسترسی آسان و مطلوبی به اطلاعات موردنیاز داشت. به این شکل که فناوری اطلاعات و ارتباطات با ایجاد زمینه‌های ارتباط از راه دور به افراد کمک می‌کند، بدون حضور فیزیکی بتوانند با افراد دیگر در هر جای جهان، ارتباط برقرار نمایند. مضاف بر اینکه این ارتباط بگونه‌ای برقرار می‌شود که می‌توان از طریق آن اطلاعات موردنیاز افراد به سهولت قابل انتقال و دستیابی باشد.

یقیناً چنانکه بیان شد، فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدیریت پرونده‌های قضایی نیز، نقش به‌سزایی دارد و می‌تواند زمینه‌های سهولت و آسودگی را در اینباره فراهم آورد. صاحب‌نظران در رابطه با کاربرد این فناوری

در مدیریت پرونده‌های قضایی و کارکرد آن می‌گویند: «فناوری اطلاعات و ارتباطات به معنای کاربرد سامانه‌های اطلاعاتی و شبکه‌های ارتباطی و دیگر ابزارهای سخت و نرم است که مدیریت پرونده‌های قضایی در دادگستری یکی از نمونه‌های تاثیرگذار آن است» (محسنی و رضایی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۶). مدیریت پرونده‌های قضایی در اینجا به معنای استفاده از سامانه‌ای است که اطلاعات و خدمات متناسب را به اصحاب دعوی، قضات، وکلاء و کارشناسان، کارمندان دفتری و اداری از طریق رایانه ارائه می‌دهد. این بدان معناست که برخلاف گذشته که وکلا یا اصحاب دعوی یا سایر مرتبطین با این امر که برای دسترسی به اطلاعات موردنیاز پرونده‌ها ناگزیر از مراجعه به محل و بررسی کردن اوراق و اسناد کاغذی بودند، اینک بدون مراجعه فیزیکی و با استفاده از اینترنت -که ابزار فراهم کننده ارتباط از راه دور است- و بدون بررسی اوراق و اسناد کاغذی، همان اوراق و اسناد را به صورت دیجیتال در رایانه، بررسی کرده و به هدف خود برسند و در این صورت از مراجعه فیزیکی که تبعاتی همچون اتلاف وقت و هزینه و غیره را شامل می‌شود، بی‌نیاز گردند (Moss, 2004: 27).

یکی از موارد دیگری که در ارتباط با تأثیر تکنولوژی در مدیریت پرونده‌های قضایی باید گفت این است که علاوه بر موارد بیان شده فوق این فناوری‌ها می‌تواند، در ارزیابی و سنجش نظام دادگستری نیز مفید و کارآمد باشند. مدیریت پرونده‌های قضایی با مفاهیمی همچون کارایی و ارزیابی نظام دادگستری ارتباط دارد. به زبان ساده‌تر نظام دادگستری بعنوان یکی از اعضای اصلی و مهم در پیکره نظام حقوقی، می‌بایست همواره در معرض پایش و نظارت دقیق باشد تا اولاً از مسیر اصلی وظایف خود منحرف نشود و ثانیاً افعالی که این نظام انجام می‌دهد و برنامه‌هایی که در راستای انجام وظایفش، دنبال می‌کند، مفید بوده و در نهایت منجر به بهبود عملکرد گردد. بدین نحو که با مدیریت پرونده‌های قضایی به کمک فناوری رایانه‌ای می‌توان کارایی دادگستری را افزایش داد و در نهایت ارزیابی مطلوبی از دادگستری برای مراجعه کنندگان ایجاد نمود. این آرمان ریشه در اصلاحات دستگاه قضایی و برنامه‌های اصلاحی، توسعه‌ای و مدرن‌سازی دارد. از این منظر، به دادخواهان همچون مشتریان یا مصرف کنندگانی نگریسته می‌شود که از مراجع قضایی بعنوان تهیه کنندگان انتظار دارند که در زمانی معین و با هزینه‌ای کم کالای یا خدمت موردنظر آنان را فراهم کنند. این هدف میسر نیست جز با فراهم آوردن شرایطی که اجازه می‌دهد از لحظه دادخواهی تا زمان صدور رای و حتی اجرای آن بتوان بر تمامی رویدادهای هر پرونده و خصوصیات آن تسلط داشت و اصطلاحاً آن را مدیریت کرد. بر این اساس، بسیار واضح و مبرهن است که بدون استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، این امر میسر نیست و نمی‌توان، بدون بهره‌گیری از دانش، چنین مدیریت و سهولتی در رابطه با ارزیابی سیستم دادگستری، ایجاد نمود.

علاوه بر این باید گفت، جدای از آنکه استفاده از دانش و تکنولوژی می‌تواند در مدیریت و بهبود عملکرد سیستم قضایی، بسیار موثر باشد، اساساً مدیریت پرونده‌های قضایی و پایش کارایی سیستم دادگستری، امری

است که در دنیای امروز بدون استفاده از تکنولوژی، نخواهد توانست به حیات خود ادامه دهد. در یک مقایسه جامع میان کارکرد قضایی و کارکرد سایر دستگاه‌ها در جامعه باید گفت، دستگاه قضایی، نسبت به سایر دستگاه‌ها، دارای مدیریتی محافظه کارانه است، بنابراین با چنین فضایی که در این دستگاه حاکم است، عدم بهره‌گیری از دانش، ارائه خدمات و حیات مدیریتی و اداری آن را با چالش‌های جدی، مواجه خواهد نمود. این موضوع برپایه نظریه‌های نوین مدیریت عمومی، بسیار واضح‌تر به چشم می‌آید. لامارزل در این رابطه چنین می‌گوید: «برپایه نظریه‌های مدیریت عمومی جدید اصولاً نباید میان مدیریت عمومی و مدیریت قضایی تفاوتی باشد. از اینرو، پیشرفت و توسعه در سایر بخش‌های مدیریت باید در دستگاه قضایی نیز که به ویژه غیرمنعطف و محافظه کارتر از سایر بخش‌هاست اتفاق افتد». بر این اساس پیشرفت و توسعه از لازمه‌های مدیریت قضایی است و بدون این پدیده، مدیریت محافظه کار قضایی، همگام با سایر مدیریت‌ها در جامعه، پیش نخواهد رفت و این عدم همگامی و عدم هماهنگی سبب بروز مشکلاتی هم در مدیریت قضایی و هم در سایر بخش‌های جامعه می‌شود. برپایه این مطالب، فورتیه درباره رابطه میان مدیریت قضایی و پیشرفت دانش می‌گوید: «میان سامانه مدیریت پرونده و گسترش روزافزون رایانه بعنوان نماد مدرن سازی از یکسو و ارزیابی - های اقتصادی دادگستری و کارآمدی آن از سوی دیگر ارتباط وجود دارد. هرچه به نقش زمان و هزینه بعنوان معیارهای برآورد کیفیت در دادرسی توجه می‌شود، لزوم دگرگونی در ابزارها و استفاده از وسایل روز که سریع ۷۷ و مطمئن هستند بیشتر مطرح می‌گردد. ملاحظه می‌شود که فورتیه نیز از برقراری ارتباط میان پیشرفت دانش و مدیریت قضایی، تکیه و تأکید بر افزایش کیفیت ارائه خدمات دستگاه قضایی دارد که این امر با کاهش زمان و هزینه مقرون استفاده از دانش و تکنولوژی در مدیریت پرونده‌ها، صورت می‌گیرد (Velicogna, 2006: 125).

البته نباید فراموش کرد که احصای خدمات و اطلاعاتی که سامانه مدیریت پرونده قضایی می‌تواند ارائه دهد، باتوجه به رشد روزافزون فناوری اطلاعات در دنیا، ممکن نیست با وجود این، پرونده قضایی برخی از خدمات و اطلاعات محصول تجهیزاتی هستند که بطور مستقیم به قاضی و اشخاصی که در دادگاه حضور دارند کمک می‌کند. مانند نرم‌افزارهایی که مربوط به نوشتار در محیط رایانه‌ای می‌گردند و به دادگاه اجازه می‌دهند، تصمیمات خود را در پرونده الکترونیکی بنویسند. در قلمرو تحقیقات و پژوهش‌های دادگستری و پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات قضایی بسیاری از نرم‌افزارها و سی دی رم‌های نرم‌افزاری اینترنتی و اینترنتی در این سامانه بکار گرفته می‌شوند که به قضات اجازه می‌دهند حسب مورد تحقیقات و اطلاعات خود را در مورد هر پرونده به دست آورند، مانند آراء دادگاه‌های بالاتر و رویه قضایی و غیره.

پیامگیر الکترونیک و پایگاه‌های الکترونیک رویه قضایی و ارتباطات اینترنتی از جمله امکانات دیگری هستند که در سامانه مدیریت پرونده قضایی مستقیماً به قضات و دیگر اشخاصی که در دادگاه هستند کمک می‌کند.

سامانه‌های مربوط به ثبت پرونده و اداره آن با این نوع مدیریت جایگزین ثبت و ضبط سنتی و دفاتر چندگانه در دادگاه می‌شود که داده‌های به دست آمده از آن هم در مسائل مربوط به آمار ورودی‌ها و خروجی‌های پرونده و نوع و تعداد آن وابسته به ماه‌های سال و مکان‌های جغرافیایی بکار می‌آیند و هم می‌توانند در مسائل مربوط به برآورد بودجه دستگاه قضایی باتوجه به این داده‌ها موثر باشند و سرانجام تبادل اطلاعات الکترونیک میان خود دادگاه‌ها و اصحاب دعوای و بطور کلی تمامی اشخاصی که به نوعی با پرونده درگیر هستند؛ بستگی به این نحوه مدیریت سایت‌های اینترنتی دارد که اطلاعات متعددی را پیرامون سازماندهی فعالیت‌های قضایی و دادگاه‌ها در اختیار مراجعه کنندگان قرار می‌دهد، مانند پیگیری وضعیت پرونده، امکان دریافت فرم‌های اقدامات قضایی و تحویل لوایح و دادخواست‌ها از طریق پست انفورماتیک به دادگستری، استفاده از سامانه پیام کوتاه برای اطلاع‌رسانی به مراجعه کنندگان. همچنین، در سالن‌های رسیدگی دادگاه‌ها نیز می‌توان از سامانه‌های دیداری و شنیداری و تجهیزات رایانه‌ای متعددی مانند ویدئو کنفرانس، ویدئو پروژکتور، ثبت و ضبط دیجیتال و غیره استفاده نمود. حتی این سامانه به دادخواهان نیز می‌تواند در نوشتن لوایح، دادخواست‌ها و شکایات کمک کند. این نوع مدیریت جدید در دستگاه قضایی در بسیاری از کشورها مورد قبول قرار گرفته و اجرایی شده است (Walton & Mc, 2002: 37).

۱-۲- مدیریت فناورانه پرونده‌ها در ایران

کشور ایران در گذشته‌ای نه چندان دور دسترسی مطلوبی به تکنولوژی و فناوری نداشته است. این عدم دسترسی سبب می‌شد، بروکراسی اداری بنحوی باشد که زمان و هزینه زیادی در فرآیندهای اداری، اتلاف گردد. بعنوان مثال یک نامه‌نگاری ساده اداری بعضاً روزها و هفته‌ها به طول می‌انجامید. این امر به ویژه در رابطه با مدیریت پرونده‌های قضایی، بیشتر به چشم می‌آمد. این پدیده در ایران، مربوط به گذشته دور نیست بلکه حدوداً به دو دهه گذشته بازمی‌گردد. لیکن اینک با ورود تکنولوژی و فناوری‌های نوین به کشور، تحولات چشمگیری در تمامی زمینه‌ها، رخ داده است. سیستم قضایی و مدیریت پرونده‌ها نیز از این تحولات مستثنا نبوده و به نوعی خود را با این تحولات منطبق نموده است. در دوره زمانی کنونی، دیگر نیاز نیست در پروسه نامه‌نگاری‌های اداری از طریق پست یا نیروی انسانی، اقدام به ارسال نامه از اداره مبدأ به اداره مقصد نمود. همین امر از طرفی مستلزم صرف هزینه و زمان بسیاری بود و از دیگر سو مدت زمان انجام یک فرآیند اداری بنحوی می‌شد که نوعی یأس و ناامیدی بر فضای اداری حاکم می‌گشت و زمینه‌های بروز بروکراسی اداری ایجاد می‌گردید. لیکن در حال حاضر تکنولوژی به عرصه اداری و قضایی، ورود کرده و سبب تخفیف در هزینه و زمان گشته است. بعنوان مثال به جای استفاده از نیروی انسانی به منظور نامه‌نگاری، می‌توان از یک فناوری به نام پست الکترونیک بهره برد. یا در سیستم قضایی به جای ابلاغ فیزیکی اوراق قضایی به اصحاب دعوا،

می‌توان آنها را در سیستم الکترونیکی موسوم به سیستم ثنا، وارد نمود تا هم هزینه استفاده از اوراق کاغذی کاهش یابد و هم اصحاب دعوا در مدت زمان کمتری در جریان امور پرونده خویش قرار گیرند. البته نباید فراموش کرد که در کشور ایران، هنوز آنطور که شایسته و بایسته است، فناوری و تکنولوژی در سیستم اداری و قضایی، ورود نکرده است و هنوز مواردی مشاهده می‌گردد که برای مدیریت روزمره پرونده‌های قضایی از روش‌های سنتی استفاده می‌شود، لیکن با این همه موقعیت نظام اداری-قضایی ایران در زمینه پذیرش و استقرار سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی بسیار امیدوار کننده است. امروز به هر مجتمع قضایی در سراسر کشور که مراجعه می‌شود تاثیر فناوری اطلاعات و رایانه مشهود است. اما، درباره اینکه چنین تحول عظیمی در مدیریت اداری-قضایی دستگاه قضایی کشور چگونه و در چه دوره زمانی و با چه هزینه‌ای محقق گردیده کمتر نوشته‌اند.

بررسی قوانین و مقررات زیربنایی و توسعه‌ای کشور نشان می‌دهد که در بند ۵ قسمت ۱ ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ قوه قضائیه مکلف می‌شود نسبت به «طراحی و استقرار نظام جامع اطلاعات (M.I.S) (عملیات و مدیریت قضایی) به منظور سرعت بخشیدن به عملیات و مدیریت کارآمد، اصلاح فرآیندها و بهبود روش‌های انجام امور قضایی، تا پایان برنامه چهارم» اقدام نماید. مقصود از نظام جامع اطلاعات بطور عمده سامانه‌ای مبتنی بر رایانه است که به ۷۹ اداره کننده اجازه می‌دهد با این ابزار اقدام به سازماندهی و ارزیابی بخش‌های تحت اداره خود نموده و آنها را کارآمد نماید (خورشید دوست، ۱۳۸۲: ۵۳). در حقیقت منظور از نظام جامع اطلاعاتی بهره‌مندی از هرگونه ابزار رایانه‌ای است که امکان اجرای کارآمدتر را فراهم می‌کند. با وجود این، بنابر آنچه که در اثر اخیر انتشار «معاونت حقوقی و توسعه قضائی قوه قضائیه» که به همت دو تن از دست‌اندرکاران طراحی سامانه مدیریت پرونده قضایی نوشته شده است، مطالعه پیرامون این سامانه از سال ۱۳۸۰ آغاز و پس از گذشت ۷ سال، در اسفند ۱۳۸۷ نتیجه مطالعات و بررسی‌ها و آزمون‌ها در سراسر کشور اجرایی گردیده است (شاهسوند و خجسته بخت، ۱۳۸۸: ۵۶-۵۵).

سامانه ایرانی مدیریت پرونده قضایی به معنای «سیستمی برای کمک به اشخاص مرتبط با پرونده قضایی (شامل کادر اداری و قضایی دادگاه‌ها، کادر اداری و مدیریتی قوه قضائیه و اصحاب دعوی و نمایندگان آنان برای دریافت اطلاعات و مدیریت بهتر پرونده‌های قضایی با استفاده از تسهیلات فناوری اطلاعات و ارتباطات» است که اهداف و دستاوردهای اعلام شده آن را می‌توان در چند بخش خلاصه نمود:

۱) افزایش کیفیت دادرسی با ایجاد بانک اطلاعات مرکزی برای پیشینه همه پرونده‌های قضایی کشور و کمک به جلوگیری از طرح دعاوی تکراری در مراجع قضایی متعدد و امکان دسترسی به آرای مراجع مختلف قضایی و قانونی و تسریع در دسترسی به اطلاعات سجل قضایی افراد؛

۲) افزایش سرعت دادرسی با تسریع در برقراری ارتباط مراجع قضایی با سایر مراجع تابعه و کاهش اشتباهات کارکنان شعب در تنظیم اوراق قضایی و کمک به کاربران در رعایت مهلت‌های قانونی از طریق یادآوری زمان‌های مهم پرونده و تسریع در یافتن اطلاعات با استفاده از جستجوی رایانه‌ای؛

۳) ارتقای توان ارزیابی و نظارت قضایی با ارزیابی وضعیت رسیدگی به پرونده‌های قضایی مختلف در سراسر کشور و دریافت یا تهیه انواع گزارش‌های دوره‌ای، موردی، مقایسه‌ای یا تطبیقی و تحلیلی و یافتن کاستی‌های آموزشی و تجربی قضات و کارکنان امور قضایی از طریق بررسی آراء و تصمیمات صادره و کمک به توزیع مناسب پرونده‌ها در شعب؛

۴) ارائه خدمات الکترونیک به مردم با پاسخگویی و ارائه اطلاعات وضعیت پرونده و اطلاع‌رسانی در موارد مهم پرونده به طرفین از طریق ارسال پیامک و ارسال ابلاغ‌ها از طریق پست الکترونیک و دریافت لوایح و دادخواست‌ها و شکوائیه‌ها از مردم از طریق اینترنت و ساماندهی سراسری شماره پرونده؛ و اصلاح نظام آماري قوه قضائیه و ایجاد زمینه برنامه‌ریزی و پژوهش با دستیابی به اطلاعات کارکرد محاکم و ویژگی‌های آن و تهیه تحلیل‌ها و گزارش‌های تجمعی و مقایسه‌ای در مورد تصمیمات دادگاه‌ها، کمک به سنجش پیامدهای قضایی قوانین برحسب پرونده‌های قضایی مرتبط و امکان پژوهش‌های جرم‌شناسی برحسب مناطق جغرافیایی و جمعیت‌شناسی (همان، ۷۰-۶۷).

۸۰

۲- کوتاه کردن مسیر دادرسی

در مبحث قبل بطور عام به تأثیر دانش و تکنولوژی در مدیریت پرونده‌های قضایی پرداخته و اشاره شد که این تأثیرات، مصادیق متعددی دارد. اینک یکی از مهم‌ترین آثاری که فناوری‌های نوین در سیستم قضایی دارد این است که با تشریفات‌زدایی از آئین دادرسی، سبب کوتاه شدن مسیر دادرسی می‌شود (رفعتی، ۱۳۸۷: ۱۰۲). حال در این مبحث تلاش بر آن است که بررسی شود، استفاده از تکنولوژی‌های مدرن چگونه می‌تواند مدت زمان فرآیند رسیدگی را کاهش دهد؟ یا به عبارت دیگر تکنولوژی چگونه می‌تواند مسیر دادرسی را کوتاه نماید؟ در پاسخ باید گفت قطعاً کوتاه نمودن مسیر دادرسی، با حذف تشریفات زائد، میسر نخواهد بود. در ادامه بیشتر به این موضوع پرداخته می‌شود.

۲-۱- مفهوم تشریفات زدایی و حدود آن

آن موضوعی که در ارتباط با دادرسی قطعیت دارد اینکه این امر دو وجه دارد. وجه نخست آن قضایی و وجه دوم، اداری است. به عبارت دیگر دادرسی می‌بایست در یک فرآیند قضایی انجام شود. از طرف دیگر فرآیند قضایی در سیستم اداری قوه قضائیه شکل می‌گیرد. بنابراین دادارسی دو وجهین است و هر دو وجه آن دارای تشریفات خاص و منحصر به فرد می‌باشد. در وجه قضائی دادرسی، تشریفات چون تشکیل جلسات دادرسی، استعمال اظهارات طرفین، ترافیعی بودن و غیره وجود دارد و وجه اداری آن نیز تشریفات چون ارسال ابلاغیه- های مربوطه به اصحاب دعوا، تشکیل پرونده توسط مدیر دفتر دادگاه و غیره به چشم می‌آید. نویسندگان حقوقی همواره به بحث تشریفات بودن دادرسی توجه داشته‌اند. «دادرسی اصولاً تشریفات بوده و اصل بر تشریفات بودن آن است» (محسنی، ۱۳۸۹: ۵۵). در این معنا دادرسی بر پایه مجموعه‌ای از مقررات از پیش مقرر و معلوم انجام می‌شود که ضامن امنیت وطمأنینه هستند.

حال باید دید آیا این تشریفات لازمه دادرسی است یا به نوعی زائد بوده و می‌توان از آنها چشم‌پوشی نمود؟ در پاسخ به این پرسش باید اظهار داشت، تشریفات دادرسی به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته نخست، تشریفات الزامی هستند که نمی‌توان از آنها چشم‌پوشی کرد. این موارد غالباً از نوع تشریفات قضایی هستند، مثل استماع اظهارات طرفین یا ترافیعی بودن دادرسی. دسته دوم تشریفات قابل اغماض هستند که می‌توان ۸۱ از آنها چشم‌پوشی کرد و از فرآیند دادرسی حذف نمود. تشریفات اداری از این دسته هستند. مثل حذف ابلاغ اوراق قضایی (چنانکه در سطور فوق بیان شد، می‌توان با وارد کردن اصحاب دعوا در سیستم ثنا، تشریفات ابلاغ فیزیکی اوراق قضایی را حذف نمود). یا حذف نامه‌نگاری‌های اداری از طریق ارسال به کارتابل الکترونیکی مرجع اداری مقصد. اینک باید توجه داشت که منظور از تشریفات زدایی، حذف تشریفات غیر ضرور است نه حذف تمامی تشریفات، زیرا حذف تمامی تشریفات اساساً به فرآیند دادرسی عادلانه، آسیب جدی وارد می‌سازد. مقصود از تشریفات زدایی حذف تشریفات حقوقی و مادی از آئین دادرسی است. به این منظور، تشریفات را می‌توان از منظر قانونی و مادی به دو دسته تشریفات حقوقی و تشریفات مادی تقسیم نمود اگرچه تجویز مورد اخیر نیز ریشه در حکم قانون دارد. بر این اساس، هنگامی که در قوانین دیده می‌شود که مقنن به دلایلی همچون افزایش سرعت دادرسی و کاستن از هزینه اقتصادی متداعیین از عبارت «بدون رعایت تشریفات» استفاده می‌کند، هدف وی حذف تشریفات قانونی طرح دعوا و دفاع یا اعمال و اقدامات متداعیین و دادگاه است، که باید بدان، «تشریفات زدایی حقوقی» گفت. تشریفات زدایی در حقیقت همان کاهش زمان و هزینه دادرسی است که در ارتباط با فناوری اطلاعات بسیار کاربردی است (Lord, 1996: 190).

قوانین مختلفی نیز وجود دارد که با هدف کوتاه کردن مسیر دادرسی عبارت تشریفات‌زدایی را بکار برده‌اند. البته شمارش قوانینی که از این عبارت استفاده کرده‌اند مقدور نیست اما، قدر متیقن این است که حذف تشریفات حقوقی دادرسی ممکن نیست مگر تنها به اراده مقنن و تبعاً سکوت و اجمال و ابهام درخصوص حذف یا عدم حذف تشریفات درخصوص مورد، باید موافق اصل که همان تشریفات بودن دادرسی است تفسیر شود. «تشریفات‌زدایی مادی» از دادرسی و آئین آن به معنای از بین بردن ابزارها و وسایل مادی و کاغذی دادرسی است که مستقیماً ناشی از پذیرش پیشرفت فناوری ارتباطات و اطلاعات و ابزارهای مربوط در دادرسی و آئین آن است (Efraim & others, 2006: 205).

باید توجه داشت زمانی که بیان می‌شود، تشریفات‌زدایی به اراده مقنن بستگی دارد، مقصود این نیست که قانونگذار رأساً تصمیم بگیرد، تشریفات زائد را از دادرسی حذف نماید. بلکه این امر نیازمند پیش‌زمینه‌ها و زیرساخت‌هایی است که چنانچه بارها اشاره شد، این پیش‌زمینه‌ها و زیرساخت‌ها را فناوری و تکنولوژی‌های نوین فراهم می‌کند. بر این اساس مقنن تا زمانی که امکانات موردنیاز برای تشریفات‌زدایی را در اختیار نداشته باشد، نمی‌تواند، رأساً و بدون ملاحظه موارد مرتبط، قانونی به تصویب رساند که براساس آن یک سری تشریفات زائد شناخته شده و حذف گردد. همچنین باید توجه داشت، نوع تشریفات‌زدایی و اینکه کدام مصداق از تشریفات بطور خاص، حذف شود نیز نیازمند به زیرساخت فناورانه است. به عبارت دیگر این فناوری است که تعیین می‌کند، کدام تشریفات حذف شود. اگر فناوری در یک زمینه ورود کند و امکانات جدیدی را ارائه دهد، مقنن می‌تواند، تشریفات آن مصداق را حذف کند، لیکن چنانچه در یک مصداق فناوری هنوز ورود نکرده و امکاناتی ارائه نداده باشد، مقنن نمی‌تواند آن مصداق را کاندیدای حذف از فرایند رسیدگی نماید. بعنوان مثال فناوری برای ابلاغ این امکان را فراهم نموده است که بتوان بدون نیاز به نیروی انسانی این فعل را از طریق اینترنت یا شبکه‌های پیام‌رسان انجام داد، پس مقنن می‌تواند تشریفات مربوط به ابلاغ فیزیکی را حذف کند. اما فناوری هنوز امکانات خاصی برای تشکیل غیرفیزیکی جلسه دادرسی ارائه نداده است. بنابراین مقنن نمی‌تواند تشریفات مربوط به تشکیل جلسه دادرسی را حذف نموده و مثلاً به جای آن مقرر نماید که جلسه دادرسی به صورت الکترونیک تشکیل شود، زیرا هنوز امکان برگزاری چنین جلسه‌ای در کشور ایران فراهم نشده است.

نکته دیگری که در رابطه با تشریفات‌زدایی باید گفت این است که این نوع تشریفات‌زدایی بدان‌سان که تبیین گردید در خدمت تحلیل‌های اقتصادی و ارزیابی کارایی دادگستری است و برخلاف تشریفات‌زدایی حقوقی صرفاً به منظور کاستن زمان انجام کار و هزینه‌های قانونی بواسطه عدم رعایت مقررات قانون، پیش‌بینی نشده است. بنابراین، با پیشرفت سریع فناوری، پیشرفت سریعی هم در ابزارهای دادرسی روی خواهد داد و ابزارها

از سخت و مادی به نرم و رایانه‌ای تبدیل می‌شوند که در ارزیابی کیفیت و کارآمدی آن موثر است (McKechnie, 2003: 53).

توجه به پرونده الکترونیکی و نوشتن و تصمیم گرفتن پیرامون پرونده در محیط مجازی و تبادل اطلاعات الکترونیک میان دادگاه و اصحاب دعوا و نمایندگان آنها و پذیرش اسناد و مدارک با ساختار الکترونیک، برای نمونه از آثار تشریفات‌زدایی مادی از دادرسی هستند که موجب حذف ابزارهای مادی همچون برگ‌های کاغذی شکایت و دادخواست و اخطار و ابلاغ و پرونده‌های قطور قضایی گردیده و اصطلاحاً آئین دادرسی را انفورماتیک (یا شماره‌ای) می‌کنند.

این نوع تشریفات‌زدایی که به نوبه خود موجب تسریع در دادرسی با از بین بردن مرزهای سنتی زمان و ورود به عرصه قابلیت‌ها و توانایی‌های رایانه‌ای اشخاص در جامعه می‌شود، بی‌گمان کارکرد اقتصادی نیز دارد. بنابراین، برخلاف تشریفات‌زدایی حقوقی که اصولاً نتیجه شهرت بد تشریفات‌گرایی افراطی در دادرسی است، تشریفات‌زدایی مادی (اداری) یا شماره‌ای کردن آئین دادرسی ماحصل پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات است. پذیرش «سامانه مدیریت پرونده قضایی» و استفاده از فناوری ارتباطات و اطلاعات نیز موجب گردیده تشریفات دادرسی تحت شعاع قرار گرفته و بسیاری از آنها بی‌موضوع شوند. برای نمونه، چگونه می‌توان مواد

۴۸ به بعد آئین دادرسی مدنی در خصوص دادخواست و تکالیف رئیس شعبه اول و مدیر دفتر کل و مدیر دفتر شعبه را با وجود سامانه مدیریت پرونده قضایی توجیه نمود که بسیاری از این اقدامات را با کمک نرم‌افزارهای موجود انجام داده و قاضی به جای استفاده از کاغذ و پوشه و پرونده، در محیط الکترونیک می‌نویسد و دستور می‌دهد؟ چطور ممکن است ارسال و دریافت پیامک و رایانامه (ای میل) را جایگزین انواع ابلاغ مذکور در مواد ۶۷ به بعد قانون آئین دادرسی مدنی و به ویژه گواهی مامور ابلاغ بعنوان رکن اعتبار دهنده به این کار نمود؟ اوقات رسمی کار در محاکم و دفاتر دادگاه‌ها که از ساعت اداری تبعیت می‌کند را چگونه می‌توان با زمان دیجیتال رایانه توجیه کرد که به معنای واقعی اعداد ثانیه و دقیقه و ساعت را محاسبه می‌کند؟ اگر شخصی که ۱۰ روز فرصت رفع نقض دارد، آیا می‌تواند این کار را در ساعت ۲۳ و ۵۹ دقیقه روز اقدام، انجام هدف حال آنکه در آن زمان قطعاً دادگستری تعطیل است؟ هنگامی که سامانه مدیریت پرونده قضایی که از نظام ارجاع رایانه‌ای استفاده می‌کند، موجب می‌گردد امکان اخذ پرونده پس از ارجاع از شعبه مرجوع‌الیه وجود نداشته باشد، تاکید به این قاعده در ماده ۳۹۱ قانون آئین دادرسی مدنی پس از اجرای این سامانه چه کارکردی می‌تواند داشته باشد؟ همچنین، با فرض تاثیرپذیری مفهوم، شمار و قابلیت پذیرش ادله از این پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات آیا تغییر و تبدیل در مقررات دادرسی در این زمینه لازم نیست؟ پرسش‌هایی از این دست بسیار است و پاسخ‌ها نیازمند گذر زمان و اختیار سکوت در برابر حرکت رو به جلوی فناوری اطلاعات و ارتباطات. به هر روی، با وجود اینکه بسیاری از عادات قضایی ما در حال تغییر است و

بدان‌سان که نوشته‌اند در آینده‌ای نه چندان دور تغییرات گسترده در مقررات قوانین آئین دادرسی و حتی منطق و استدلال حقوقی لازم خواهد بود (کول، ۱۹۹۹: ۱۳۲). «حمایت از حقوق دفاعی رعایت برخی تضمینات را به منظور احتراز از آسیب‌پذیری طرف ضعیف‌تر این تحولات لازم و ضروری می‌نماید». بر این اساس آنچه که در جایی دیگر پیرامون تشریفات‌زدایی حقوقی بیان گردید، رعایت اصول بنیادین دادرسی مانند بیطرفی، تقابلی بودن دادرسی، اصل حقوق دفاعی، اصل تسلط و بالجمله اصولی که دادرسی و عدالت نام خود را از آنها به دست آورده است، باتوجه به تغییرات آتی و تبدیلات پی در پی در ابزارها، گزیرناپذیر است. پس، از جهت لزوم رعایت اصول دادرسی میان این دو نوع تشریفات سخت و نرم جدایی نیست و تفاوت صرفاً در نحوه رعایت آنهاست. برای نمونه نمی‌توان وجود نرم‌افزار در رایانه را که نسبت به موضوعات یکسان عمل می‌کند، دلیل بیطرفی قاضی رسیدگی‌کننده دانست و یا از رایانه خواست تا مراقب تقابلی بودن دادرسی باشد. بر این بنیان، شناخت برخی حدود در تشریفات‌زدایی به منظور لطمه وارد نشدن به اصول دادرسی لازم است.

در انتهای این گفتار باید اینگونه جمع‌بندی نمود. در ارتباط با تشریفات‌زدایی از دادرسی سه نکته حائز اهمیت است. نکته نخست اینکه، تشریفات دادرسی به دو دسته قضایی و اداری (مادی) تقسیم می‌شوند. نکته دوم نیز اینکه گرچه حذف تشریفات دادرسی به اراده مقنن بستگی دارد، اما مقنن نمی‌تواند به خواست خود هر کدام از مصادیق تشریفات را که بخواهد، حذف نماید، بلکه فقط آن مصداق از تشریفات را می‌تواند، بزادید که فناوری و تکنولوژی زیرساخت موردنیاز برای حذف آن را فراهم آورده باشد و در نهایت نکته سوم اینکه، سیستم قضایی در کشور ایران باید خود را با فناوری‌های نوین مطابقت دهد و همگام با پیشرفت فناوری خود را بروزرسانی نماید چراکه این امر لازمه برخورداری بهتر از فناوری در مدیریت پرونده‌هایی قضایی است که البته باتوجه به قرار گرفتن سیستم قضایی ایران در مسیر پیشرفت و توسعه، امید می‌رود در آینده، مطابقت کامل و جامع دستگاه قضایی و فناوری، حاصل شود و مشکلاتی از قبیل پرسش‌هایی که در سطور فوق مطرح شد، از میان برود (محسنی، ۱۳۸۵: ۸۵).

۲-۲- نمونه‌هایی از تشریفات‌زدایی اداری (مادی) در سیستم قضایی ایران

آنچنان که تبیین گردید درخصوص «سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی» دستگاه قضایی پیش از وضع قوانین مربوط، اقدام به طراحی و سازماندهی آن نموده که بنحوی موجب حدوث تغییر جدی در نوع تشریفات از منظر پرونده الکترونیکی و استفاده از ابزار رایانه‌ای گردیده است. در کنار این تحول، رویکرد دستگاه قضایی در برابر استفاده فراگیر شهروندان از اینترنت و تلفن همراه رویکردی محتاطانه و در عین حال باز بوده است. تا قبل از سال ۱۳۸۸ علیرغم نبود نصی ویژه ابلاغ الکترونیکی اوراق قضایی در قوانین موضوعه، در ذیل

فرم‌های دادخواست جدیدی که اداره کل تشکیلات و برنامه‌ریزی قوه قضائیه چاپ و منتشر نموده است بعنوان تذکر شماره یک نوشته می‌شد: «در صورتی که خواهان تمایل داشته باشد اوراق به صورت حضوری (در دفتر دادگاه) یا از طریق تلفن یا نمابر یا پست الکترونیکی به وی ابلاغ شود، در پایان شرح دادخواست، با ذکر دقیق شماره‌های مربوط اعلام نماید، تا امر ابلاغ سریع‌تر صورت گیرد» (فرم شماره ۲/۱۲۹۶/۱/۲۴/۲۰۱۳۸۸/۰۱/۱۶/۱۳۸۸/۰۱/۱۶ صراحتاً تشکیلات و برنامه‌ریزی قوه قضائیه). از این رویکرد می‌توان، از یکسو، گرایش دست‌اندرکاران امر قضاء در توافقی و ارادی کردن استفاده از شیوه‌های نوین تبادل اطلاعات را استنباط نمود که هم موافق رویه معمول در برخی کشورهای اروپایی است و هم رد و اثر آن در متونی همچون اصول آئین دادرسی مدنی فراملی دیده می‌شود (محسنی، پیشین: ۱۳۳-۱۳۴)؛ و از سوی دیگر باید آن را مطابق حق دادخواهان در جلب اظهارنظر آنان در خصوص قبول این شیوه جهت ابلاغ دانست. مراجعه کنندگان به دادگستری با نوشتن نشانی پست الکترونیکی خود در ذیل دادخواست به این شیوه ابلاغ رضایت داده و حقوق آنان نسبت به شیوه ابلاغ سنتی نیز حفظ می‌گردید. با وجود این راهکار، ماده ۳۵ آئین‌نامه شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۸/۰۱/۱۶ صراحتاً پذیرش این وسیله نوین ارتباطی در شورا را با عنایت به ماده ۲۱ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷/۰۴/۱۸ و تبصره آنکه «نحوه ابلاغ» را در زمره تشریفات دادرسی دانسته، توصیه نموده: «ابلاغ اوراق، آراء و تصمیمات شورا حسب مورد به صورت کتبی، نامه‌های الکترونیکی، تماس تلفنی، ارسال پیام کوتاه و ۸۵ مانند آن انجام خواهد شد بنحویکه برای اعضاء یا قاضی شورا اطمینان حاصل شود مخاطب از موضوع ابلاغ مطلع گردیده و الا باید کتبی انجام شود» (روزنامه رسمی، شماره ۱۸۶۷۰).

به ظاهر این ماده که منصرف از رضایت یا عدم رضایت متداعیین به اینگونه شیوه‌ها تحریر شده است، بنابر آنچه پیش از این بیان گردید، نباید اعتماد کرد. در این مورد نیز به نظر می‌رسد تا زمانی که شیوه سنتی ابلاغ و آگاهی‌رسانی هنوز منسوخ اعلام نگردیده جلب رضایت متداعیین برای ترتیب آثار قانونی به محض ابلاغ الکترونیک یا ارسال پیامک لازم باشد. در زمینه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی نیز بنابر بنده ماده ۱۴ آئین‌نامه مصوب ۱۳۸۷/۰۶/۱۱ امکان ارسال اخطاریه‌ها و ابلاغیه‌ها با پست الکترونیک پیش‌بینی شده است که به نظر دادگستری و پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات باید از همان اصول تبعیت نماید. اگرچه اعتبار و سندیت این قبیل اقدامات نیز با وجود نبود مقرر قانونی ویژه، به نظر مستندات به موادی از قانون تجارت الکترونیک توجه شدنی است اما، شایسته‌تر آن است که مقنن در این زمینه و نیز در خصوص الزام به ایجاد شبکه ارتباطی مطمئن و امن در دستگاه قضایی مقرراتی وضع نماید (شهبازی‌نیا و عبداللهی، ۱۳۸۸: ۱۴۱-۱۲۵).

۳- تأثیر اقتصادی

در مبحث قبل بیان شد که یکی از موارد مهم تأثیرگذاری فناوری در دستگاه قضایی، کوتاه کردن مسیر دادرسی است که این کوتاه کردن از لحظه ثبت دادخواست در دفاتر خدمات الکترونیک قضایی آغاز می‌شود و تا زمان اصدار رأی، استمرار می‌یابد. اینک در این مبحث به این موضوع پرداخته می‌شود که استفاده از فناوری می‌تواند علاوه بر تشریفات زدایی و کاهش زمان رسیدگی به کاهش هزینه دادرسی نیز کمک کند. کاهش هزینه دادرسی به اینگونه رخ می‌دهد که با حذف تشریفات زائد، در هزینه‌های این تشریفات نیز صرفه‌جویی می‌شود. بعنوان مثال در گذشته خواهان در دعوی حقوقی می‌بایست با مراجعه به دفاتر دادگاه‌ها، شرح خواسته خود را در اوراقی موسوم به فرم دادخواست، تنظیم نموده و با الصاق تمبر به دفتر دادگاه تسلیم نماید. لیکن در حال حاضر برای تقدیم دادخواست به دفتر دادگاه، نیازی به استفاده از نسخه کاغذی فرم دادخواست، وجود ندارد و خواهان با مراجعه به دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، فرم مزبور را به صورت الکترونیکی تنظیم نموده و به صورت اتوماسیون برای دفتر دادگاه ارسال می‌نماید. براساس برآوردها و آمارهای وجود، هزینه تولید کاغذ در کشور، هزینه متناهی است که با صرفه‌جویی در مصرف روزانه کاغذ می‌توان از این هزینه نیز پیشگیری نمود (<http://www.ibena.ir>).

علاوه بر هزینه‌های کاغذی، هزینه‌های جانبی دیگری نیز وجود دارد که با استفاده از سیستم اتوماسیون اداری، از آنها پیشگیری می‌شود. این هزینه‌های جانبی، شامل هزینه جوهرهای استفاده شده برای چاپ و تکثیر فرم‌های کاغذی، هزینه نگهداری دستگاه‌های مرتبط و همچنین هزینه انتقال و جابجایی فرم‌های مخصوص به دادگاه‌ها نیز می‌شود. همچنین علاوه بر هزینه‌های تقدیم دادخواست به دادگاه‌ها در بدنه اداری دستگاه‌های قضایی نیز هزینه‌های استفاده مفرط از کاغذها وجود دارد که با استفاده بهینه اتوماسیون اداری که مبتنی بر استفاده از تکنولوژی در فضای اداری است، می‌توان از بروز چنین هزینه‌هایی پیشگیری نمود. علاوه بر هزینه کاغذ و سایر ادوات فیزیکی، هزینه نیروی انسانی غیرضروری نیز یکی از مواردی است که همواره در ارتباط با مقوله کاهش هزینه، دغدغه‌های جدی ایجاد می‌کند. زمانی که دادگاه تصمیم داشته باشد، اوراق قضایی را به اصحاب دعوا ابلاغ نماید، به ناچار می‌بایست از نیروی انسانی بعنوان مأمور ابلاغ استفاده کند. نیروی انسانی نیز نیاز به حقوق و دستمزد و سایر مزایای کارمندی دارد. بنابراین در صورتی که سیستم قضایی برای ابلاغ اوراق از سیستم‌هایی نظیر اینترنت یا شبکه‌های پیام‌رسان، بهره‌بردار دیگر نیاز نیست از نیروی انسانی برای انجام این امر بهره‌بردار. البته گرچه استفاده از اینترنت و شبکه‌های پیام‌رسان نیز مستلزم اختصاص دادن هزینه‌هایی است و مهمتر آنکه برای بهره‌مندی مطلوب از این امکانات، فراهم نمودن زیرساخت‌های آن، هزینه‌بر خواهد بود، لیکن اولاً هزینه استفاده از این امکانات در مقایسه با هزینه بهره‌برداری از نیروی انسانی به مراتب کمتر است و همچنین در امکانی که این تکنولوژی‌ها در اختیار سیستم قضایی و

اداری می‌گذارد در درازمدت می‌تواند، هزینه‌های مرتبط با فراهم کردن و ایجاد زیرساخت را بنحو مطلوبی جبران نماید، مضاف بر آنکه امکانات تکنولوژیک می‌تواند، هزینه‌های ناشی از رفت و آمدهای غیرضروری را نیز کاهش دهد.

امروزه صاحب‌نظران و ایده‌پردازان در زمینه کاهش هزینه‌های مرتبط با نیروی انسانی، ابتکارات و ایده‌های بسیاری را ارائه داده‌اند، که در نهایت منجر به ایجاد سیستمی با کارایی موثر و هزینه‌ای کم خواهد بود. استراتژیست‌ها در این زمینه، استراتژی‌هایی تعریف کرده‌اند که مبتنی بر استفاده از سیستم‌های مدیریتی تکنولوژیک در رابطه با نیروی انسانی می‌باشد. این نوع مدیریت می‌تواند از طرفی با جایگزین کردن فناوری ارتباطات با نیروی انسانی غیرضروری، هزینه آن را از میان ببرد و از طرف دیگر به بهینه‌سازی فعالیت کارمندان ضروری با ارتقاء دادن بازدهی کاری آنها، بیشترین ماحصل را از هزینه در نظر گرفته شده برای استخدام نیروی انسانی، به دست دهد (<http://karayionline.com>).

نتیجه‌گیری

دستگاه قضایی علیرغم انعطاف‌ناپذیری و محافظه‌کاری از پیشرفت فناوری اطلاعات ارتباطات و توسعه استفاده از رایانه و اینترنت و شبکه مصون نبوده است. در حقیقت منطق ارزیابی نتیجه محور و توجه به کارآمدی^{۸۷} اعمال و اقدامات موجب می‌گردد تغییر و تبدیل در روش‌ها ساده‌تر توجیه شود که بکارگیری سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی و نتیجتاً تشریفات‌زدایی مادی از دادرسی و آئین آن نمود بارز این تحولات است. مدیریت پرونده‌های قضایی در نظام حقوقی ایران جایگاه مناسبی دارد و نظام قضایی در پذیرش و طراحی و اجرای آن پیشتاز بوده است اگرچه برخی نواقص هنوز در کار دیده می‌شود و پژوهشگران و دانشگاهیان منتظر دریافت نتیجه دستاوردهای اعلام شده در مدت اجرای سراسری از سال ۱۳۸۷ هستند تا کارآیی این سامانه را مورد تحلیل قرار دهند. به هر روی، به اهمیت این نوع مدیریت در قوانین توسعه‌ای کشور نیز توجه شده است. علاوه بر این استفاده از فناوری‌های نوین توانسته است از هزینه‌های مدیریت پرونده‌های قضایی بکاهد که این امر شامل کاهش هزینه ملزومات زائد مثل کاغذ و نیروی انسانی غیرضرور می‌شود.

در این مقاله هدف آن است که تأثیر تکنولوژی و فناوری به صورت مصداقی در سیستم قضایی مورد بررسی قرار گیرد. روش تحقیق به صورت توصیفی- تحلیلی انجام شده است. پژوهشگر با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای توانسته به این نتیجه دست یابد که پیشرفت دانش و بکارگیری آن در دستگاه قضایی دو نتیجه عمده به دنبال داشته است: نخست، کاهش زمان رسیدگی به پرونده‌ها و حذف تشریفات زائد از دادرسی و دوم، کاهش هزینه‌های فرآیند رسیدگی قضایی به پرونده‌ها.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- رفعتی، سیامک (۱۳۸۷)، برنامه رادیویی بررسی فناوری اطلاعات در قوه قضائیه.
- ۲- رضانی خورشید دوست، رضا (۱۳۸۲)، طراحی و ایجاد سیستم مدیریت پرونده قضایی، تهران: قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران.
- ۳- روزنامه رسمی، شماره ۱۸۶۷۰.
- ۴- شاهسون، مهدی و خجسته بخت، مجتبی (۱۳۸۸)، «سیستم مدیریت پرونده‌های قضایی»، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- ۵- شهبازی‌نیا، مرتضی و عبدالهی، محبوبه (۱۳۸۸)، «احراز اصالت در اسناد الکترونیکی»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ش ۴.
- ۶- محسنی، حسن (۱۳۸۵)، «مفهوم اصول دادرسی و نقش تفسیری آنها و چگونگی تمییز این اصول از تشریفات دادرسی»، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، ش ۲۳-۲۴.
- ۷- محسنی، حسن (۱۳۸۹)، اداره جریان دادرسی مدنی، برپایه همکاری و در چارچوب اصول دادرسی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۸- محسنی، حسن و رضایی‌نژاد همایون (۱۳۹۱)، «دادرسی مدنی»، مجله مطالعات حقوقی، ش ۲.

۸۸

لاتین:

- 9- Efraim, Turban & others (2006). Information Technology for Management, Transforming Organizations in the Digital Economy, 5th Edition, John W. & SOSN Inc.
- 10- KOHL, Uta (1999). Legal Reasoning and Legal Change in the Age of the Internet Why the Ground Rules Are Still Valid, in: Oxford International Journal of Law & Information Technology.
- 11- Lord, Woolf (1996). Access to Justice: Final Report to the Lord Chancellor on the civil justice system in England and Wales.
- 12- McKechnie, Dute (2003). The Use of the Internet by Courts and the Judiciary: Findings from a Study Trip and Supplementary Research, No. 2.
- 13- Moss, bill (2004). Courts Key to Virtual Hearing Shows, Law Society Gazette 32.
- 14- Velicogna, Marco (2006). Use of Information and Communication Technology in European Judicial Systems, European Commission for the Efficiency of Justice.
- 15- WALTON, Donald and McDOW Clarkson (2002). Entering the Twenty-First Century: Some Views on Electronic Case Filing from the U.S. Trustee's Perspective, in: American Bankruptcy Institute Journal.
- 16- www.ibena.ir
- 17- karayionline.com